

تبیین تأثیرات اجتماعی تکنولوژی بر هنر اسلامی در عصر جدید بر اساس نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت

چکیده

در عصر حاضر تکنولوژی بیش از هر زمان دیگری بر ارزش‌های فرهنگی و هنری در جوامع تأثیرگذار است. گسترش آن نیز بستگی به انطباقش با شرایط فرهنگی و اجتماعی دارد. امکان انتشار آثار فرهنگی و هنری بر روی شبکه‌های الکترونیکی به صورت بی‌حد و مرز ضمن ایجاد نگرش خاص، هویت اجتماعی انسان‌ها را تغییر داده و فضای فرهنگی جدیدی به وجود آورده است؛ تا جایی که در تمام جوامع، اعم از اسلامی و غیراسلامی، برقراری پیوند بین فرهنگ، هنر و تکنولوژی مدرن با کمک رسانه‌های نوین برای مفاهیمی چون آزادی، حقیقت و واقعیت معانی تازه آفریده است. مسئله‌ای که اینجا مطرح است تبیین تأثیر اجتماعی تکنولوژی بر هنر اسلامی و ماهیت آن در عصر جدید است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، تأثیرات اجتماعی تکنولوژی بر فرهنگ و خصوصاً هنر اسلامی را در عصر حاضر از منظر دیدگاه انتقادی مکتب فرانکفورت بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است گرچه همواره به نظر می‌رسد که فرهنگ و هنر اسلامی باید از منظر عالم معنوی اسلام مورد توجه قرار گیرد؛ اما در دهکده جهانی دوران معاصر که راه‌یابی تکنولوژی به ساحت تغییرات اجتماعی در همه جوامع به محرکی در نوآوری‌های فرهنگی بدل شده؛ به نگرش تازه‌ای در قلمرو هنر اسلامی نیاز است. گرچه اساساً در فرهنگ اسلامی نگاه عارفانه و شهودی هنرمند به پدیده‌های عالم، باعث شکل‌گیری هنری شده است که روایتگر زیبایی نقش بسته از تجلیات ذات اقدس الهی در دنیای زمینی با ماهیتی متفاوت از تعریف هنر در جهان مدرن است. از این‌رو تکنولوژی به‌عنوان نیروی اصلی برای ایجاد سازمان اجتماعی در تمامی جوامع و دگرگونی روابط اجتماعی و فرهنگی، یکی از دغدغه‌های اساسی پیروان نظریه انتقادی است.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی رویکرد اندیشه انتقادی مکتب فرانکفورت به تعامل تکنولوژی مدرن با فرهنگ و هنر در عصر حاضر.
۲. بررسی تأثیر تکنولوژی به عنوان یک پدیده اجتماعی و موضوع فلسفی بر روی هنر اسلامی در جهان مدرن از دیدگاه نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت.

سوالات پژوهش:

۱. با توجه به رویکرد مکتب فرانکفورت، چگونه می‌توان میان هنر اسلامی و تکنولوژی ارتباط برقرار کرد؟
۲. تکنولوژی در عصر جدید چه تأثیری بر هنر اسلامی داشته است؟

واژگان کلیدی: تکنولوژی مدرن، فرهنگ و هنر اسلامی، نظریه انتقادی، مکتب فرانکفورت.

مقدمه

هنر در جوامع مختلف از نظر ماهوی و سیر تکوینی وابسته به عوامل مختلفی است. هنر اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این حال بُعد همچنان نقش مهمی در سیر تکوینی علوم مختلف دارد. یکی از شاخصه‌های زمان در عصر جدید رونق و کاربرد تکنولوژی است. تکنولوژی، سیستم منسجمی از دانش فنی و مهارت‌های لازم برای تولید و خدمات حاصل از قدرت فکری است که بیشتر از جنس اطلاعات است تا ماشین‌آلات؛ بنابراین تفکری که تکنولوژی را برابر با ابزار و تجهیزات می‌داند؛ امروزه به این‌گونه اصلاح‌شده که ابزارها تجسم مادی اطلاعاتی هستند که جنبه نرم‌افزاری داشته و طی یک فرایند، تبدیل به سخت‌افزار شده‌اند. گسترش تکنولوژی بستگی به انطباق تکنولوژی با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... جامعه دارد. در دنیای مدرن پیامدها و تأثیرات تکنولوژی چنان گسترده است که می‌تواند همه چیز یک جامعه را به سرعت و به‌صورت برگشت‌ناپذیر تغییر دهد. جهان امروز با کمک علم و تکنولوژی فارغ از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، قومی، نژادی و ... چهره متفاوتی از خود نشان داده است. تکنولوژی و فرهنگ فرایندهای درهم‌تنیده و پویایی هستند که مرزهای قابل‌تفکیکی ندارند. تکنولوژی در پی تغییر جهان است و فرهنگ به دنبال ارزشی کردن پدیده‌های گوناگون اجتماعی. برای درک مسائل در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری شناخت دقیق تکنولوژی، خصوصاً در حوزه وسایل ارتباطی گریزناپذیر است. در طول زمان با ظهور تکنولوژی‌هایی که باعث بازنگری اندیشه مردم در مورد هنر شد، افق‌های وسیعی در آفرینش هنر ایجاد گشت. از سویی دیگر همان‌طور که می‌دانیم هنر در فرهنگ جوامع اسلامی که بخش اعظمی از دهکده جهانی را شامل می‌شوند، وجهی از معرفت و حضور است و نه مجموعه‌ای از فعالیت‌های معطوف به خلق اثر؛ بلکه همچون یک فضیلت و کمال و امری معنوی تلقی می‌شود. مسئله ماهیت هنر اسلامی از نظر معناشناسی، وجودشناسی و معرفت‌شناسی موضوعی برای مباحث مختلف هنری و فلسفی است. بر این اساس این پرسش به میان می‌آید که اکنون اثربخشی سیستم فراگیر تکنولوژی مدرن بر هنر اسلامی چه تأثیرات، نمودها و بازتاب‌هایی در ماهیت و نیز بر مخاطب آن در عصر حاضر دارد. نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت برای فرهنگ و هنر جایگاه ویژه‌ای قائل بوده و در پی روشن کردن رابطه قدرت در تولید پدیده‌های فرهنگی و تعامل آنان با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است. درخصوص پیشینه پژوهش درباره این موضوع باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری در خصوص مواجهه هنر اسلامی با عصر جدید به رشته تحریر در آمده است. مقاله‌ای با عنوان «مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی» به قلم زهرا رهنورد و زهرا رهبرنیا (۱۳۸۵) به رشته تحریر در آمده است. در این اثر به این نتیجه رسیده‌اند که طرح متغیرهایی از قبیل انسان مقدس، کتاب مقدس، فضا و مکانهای مقدس، اثبات می‌کند که قداست واقعی نمی‌تواند از آن هر چه ماورای طبیعت است باشد و سایه و روح الهی است که از تقدس وجود خود در فضا، مکان، انسان و هنر قرار می‌دهد. از این روی این که اثر هنری با ابزار بدوی و یا تکنیک‌های نوین به ثمر رسیده باشد، در بیان قدسی آن تأثیری ندارد. با این حال، در این اثر به صورت نظری از مکتب فرانکفورت استفاده نشده است. در این پژوهش با بررسی تکنولوژی به‌عنوان یک موضوع فلسفی از دیدگاه نظریه انتقادی، حضور آن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی در زندگی انسان امروزی، با رویکردی به فرهنگ و هنر اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و تأثیرات تکنولوژی مدرن در حوزه هنر اسلامی در عصر جدید تبیین می‌شود. در این نوشتار با جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، ابتدا بررسی تأثیرات اجتماعی تکنولوژی بر زندگی انسان معاصر بر مبنای تأملات اندیشمندان مکتب فرانکفورت با بازخوانی مفهوم صنعت فرهنگ و سپس نسبت هنر

اسلامی با تکنولوژی مد نظر بوده و با شیوه توصیفی-تحلیلی به دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای رسیدن به نتیجه پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

تمام محصولات فرهنگی که امروزه توسط ابزارهایی تکنولوژیک تولید و تکثیر می‌شوند مانند گونه‌های مختلف هنر، برنامه‌های تلویزیونی، سینما، موسیقی، کتاب، نشریات، شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها و ... که از مصادیق صنایع فرهنگی هستند، باعث فراگیری صنعت فرهنگ شده‌اند. در دوران معاصر راه‌یابی تکنولوژی به ساحت تغییرات اجتماعی به محرکی در نوآوری‌های فرهنگی تبدیل شده است. تکثیر جهان امروزی با تکثیری که در طول تاریخ در همه فرهنگ‌ها و ادیان وجود داشته بسیار متفاوت گشته؛ پس عصر جدید نگرش تازه‌ای را در قلمرو فرهنگ و هنر اسلامی می‌طلبد. از آنجا که جوامع اسلامی از نظر اعتقادات بنیادین با سایر جوامع دنیا تفاوت‌هایی از نظر نوع و فلسفه زندگی و روابط اجتماعی دارند؛ انتظار می‌رود که هنرهای آن‌ها نیز از ویژگی‌های مشترک درون جوامع اسلامی و متفاوت نسبت به سایر جوامع برخوردار باشند که این ویژگی‌ها در حوزه سبک و مضامین هنری قابل مشاهده و بررسی است. التزام به دین مهم‌ترین وجه تمایز اجتماعی جوامع اسلامی از حیث خلق آثار هنری به‌عنوان عامل ایجاد وحدت درون جوامع و جدایی آن از فرهنگ غیر اسلامی محسوب می‌شود و چون هدف دین هدایت انسان به سوی خداوند، تکامل و رستگاری بشر است، هدف هنر دینی نیز نمی‌تواند چیزی جدای از این باشد. خلق صورت‌های مختلف آثار هنری در این تفکر با هر ابزاری و در هر دوره‌ای، فقط ناشی از قوای خلاقه هنرمند نیست، بلکه عامل بزرگتری در تولید آثار هنری نقش دارد که هر جنبه از آن در محصول نهایی اثر می‌گذارد و شکل و محتوای آن را تعیین می‌کند. آفرینش هنر اسلامی، روندی است که از عوامل اجتماعی بسیاری بر اساس یک تفکر واحد و فرازمینی تأثیر می‌پذیرد. یکی از این عوامل اجتماعی، پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی است. به‌زعم اینکه از نظر متفکران مکتب فرانکفورت فرهنگ یکدست شده در صنعت فرهنگ اساساً چیزی والا نیست، بلکه ویرانگر فلسفه، هنر، معارف و هر چیز والایی است؛ اما گفتمان هنر و فرهنگ اسلامی حتی در جهان تکنولوژیک و در سایه صنعت فرهنگ به‌عنوان امری والا و نشئت‌گرفته از دین مقدس و رهایی‌بخش اسلام در فرآیند خلق، سعی می‌کند تا نمود وحدت در کثرت هستی و رهایی از غربت و وصول به قربت را در صور هستی سامان داده و به ارائه‌ی معنا و عمق احساس در تجربه‌ای دینی و ایمانی در قالب هنرهای مختلف با فرم جدید کمک کند.

اعتقاد به وحدانیت خداوند به تمامیت در هنر اسلامی وجود دارد و همه آثار هنری این عرصه دارای وجهی مشترک و هویت خاص‌اند. هنر در یک چارچوب دینی سبب گردید تا هنر اسلامی به تدریج با بهره‌گیری از هنرهای مختلف به شیوه بیانی ویژه‌ی خود دست یابد و با حفظ این هویت، تحولات مختلف را در طول زمان در جهت تکامل خود هدایت کند. هنر اسلامی در عصر جدید نیز در خدمت صنعت، فرهنگ و سیاست جایگاه خود را تثبیت کرده و می‌تواند در نقش یک رسانه به تولید فرهنگ متعالی کمک بسیاری کند. از طرفی بنا به ماهیت خود و امکانات گسترده، این ویژگی را دارد که با بیانگری که از هنر انتظار می‌رود ضمن آگاهی دادن، به روشننگری اندیشه انسان نیز منتج گردد. بازتاب حقایق معنوی همراه با بیانی زیباشناسانه توسط هنر اسلامی در قلمرو تکنولوژی مدرن می‌تواند در شرایط اجتماعی معاصر، باعث پرورش توانایی‌های روحی بشر شود. تکنولوژی مدرن در جوامع اسلامی تجلی علم،

ایمان و ذوق هنری است که با تأثیر گذاری بر فرهنگ، برای مضامینی چون آزادی، حقیقت، واقعیت و عقلانیت در سایه تعالیم دینی و معنوی معانی تازه می‌آفریند. با وجود گسترش ارتباطات با کمک فضاهای دیجیتالی و امکان ایجاد و انتشار آثار هنری با ساختاری نوین و متفاوت از شیوه‌های سنتی و با عنایت به کارکرد رسانه‌ای هنر، پیوند تکنولوژی با هنر اسلامی می‌تواند یک فرصت برای هنرمندان مسلمان تلقی شود. حال این وظیفه هنرمند مسلمان است که با وجود سرعت تصاعدی تغییرات در ساحت فرهنگی و اندیشه معاصر و راه‌یابی مفاهیم زیباشناسی جدید در هنر، در تلاش برای پرورش توانایی‌های روحی انسان بوده و آزادی از دست رفته را به او بازگرداند و اجازه ندهد با رشد فزاینده تکنولوژی‌های نوپدید و اثرپذیری هنر اسلامی از آن، مسخ روحی و روانی بشر عمق بیشتری یابد.

منابع و مأخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۹۱). حقیقت و زیبایی (چاپ بیست و دوم). تهران: نشر مرکز.
- بنی اردلان، اسماعیل. (۱۳۸۹). معرفت‌شناسی آثار صناعی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۸). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی (چاپ دوم). تهران: نشر سوره مهر.
- خاکی، غلام‌رضا. (۱۳۸۲). آثار پیشرفت تکنولوژی بر فرهنگ. نشریه نمایه پژوهش، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۲۲۲-۲۱۷.
- راود راد، اعظم. (۱۳۹۳). رویکرد جامعه‌شناسانه به هنر (در جستارهایی در چیستی هنر اسلامی به اهتمام هادی ربیعی). چاپ ششم، تهران: انتشارات متن.
- شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۸۲). ویژگی‌های کلی هنر اسلامی در سه شاخه هنری خوشنویسی، تذهیب و نگارگری با نگاه غیب و شهود. نشریه مدرس هنر، شماره ۳، صص ۶۱-۷۲.
- کاجی، حسین. (۱۳۹۲). فلسفه تکنولوژی دون آیدی، پاسخی به دترمینیسم تکنولوژیک. تهران: هرمس.
- فرانس، مارتین و همکاران. (۱۳۹۵). فلسفه تکنولوژی (دانشنامه استنفورد)، ترجمه مریم هاشمیان، تهران: انتشارات ققنوس.
- لوئیس میکون، ژان. (۱۳۹۰). از وحی قرآنی تا هنر اسلامی در کتاب هنر و معنویت، ترجمه انشا... رحمتی، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- مارکوزه، هربرت. (۱۳۶۲). انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن معینی (چاپ سوم). تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). اهتزاز روح، مباحثی در زمینه زیبایی‌شناسی و هنر. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- محمودی نژاد، هادی؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۵). تأملی در انگاره‌های عرفانی در هنر اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۹ و ۱۰۰، صص ۶ الی ۱۹.
- میچم، کارل. (۱۳۹۲). فلسفه تکنولوژی، ترجمه مصطفی تقوی، تهران: انتشارات سروش.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه هاشم قاسمیان؛ تهران: دفتر مطالعات دینی.

نوذری، حسینعلی. (۱۳۹۴). نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی (چاپ چهارم). تهران: نشر آگه.

Adorno, T. (۱۹۹۱). *The culture Industry, Selected Essays on Mass Culture*, Edited by J.M. Bernstein, London & N.Y, Routledge.

Adorno, T., & Max H. (2002). *Dialectic Of Enlightenment*, Edited by Gunzelin Schmid Noerr, Translated by Edmund Jephcott, California, Stanford university press

Marcuse, H. (1964). *One Dimensional Man*, Boston, Beacon Press

Pitt, J. (2000). *Thinking About Technology*, New York, Seven Bridges Press.